

نافرمانی مهلك آدم و اطاعت پیروزمند مسیح

رومیان ۵: ۱۲-۲۱

لهذا همچنان که به وساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت و به این‌گونه موت بر همه مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند. زیرا قبل از شریعت گناه در جهان می‌بود، لکن گناه محسوب نمی‌شود در جایی که شریعت نیست، بلکه از آدم تا موسی موت تسلط می‌داشت بر آنانی نیز که بر مثال تجاوز آدم، که نمونه آن آینده است، گناه نکرده بودند و نه چنان که خطا بود، همچنان نعمت نیز باشد، زیرا اگر به خطای یک شخص بسیاری مردند، چقدر زیاده، فیض خدا و آن بخششی که به فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح، است برای بسیاری افزون گردید و نه اینکه مثل آنچه از یک گناهکار سر زد همچنان بخشش باشد، زیرا حکم شد از یک برای قصاص، لکن نعمت از خطای بسیار برای عدالت رسید. زیرا اگر به سبب خطای یک نفر و به واسطه آن یک موت سلطنت کرد، چقدر بیشتر، آنانی که افزونی فیض و بخشش عدالت را می‌پذیرند در حیات سلطنت خواهند کرد به وسیله یک، یعنی عیسی مسیح. پس همچنان که به یک خطا حکم شد بر جمیع مردمان برای قصاص، همچنین به یک عمل صالح بخشش شد بر جمیع مردمان برای عدالت حیات. زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند، همچنین نیز به اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید. اما شریعت در میان آمد تا خطا زیاده شود. لکن، جایی که گناه زیاده گشت، فیض بی‌نهایت افزون گردید، تا آنکه چنان که گناه در موت سلطنت کرد، همچنین فیض نیز سلطنت نماید، به عدالت برای حیات جاودانی، به وساطت خداوند ما عیسی مسیح.

عیسی برترین است

یکی از اهداف این مجموعه از موعظه‌ها آن است که این واقعیت در ذهنمان نقش بندد که عیسی مسیح مهم‌ترین شخص در عالم هستی است، اما نه اینکه از خدای پدر یا خدای روح‌القدس مهم‌تر باشد. او در ارزش و زیبایی و حکمت و عدالت و محبت و قدرت با آنها برابر است. حال آنکه، عیسی مهم‌تر از هر شخص دیگر است، خواه فرشتگان، دیوها، پادشاهان، فرماندهان، دانشمندان، هنرمندان، فیلسوفان، ورزشکاران، موسیقیدانان، هنرپیشگان، خواه همه کسانی که اکنون زنده‌اند یا تاکنون زیسته‌اند یا پس از این خواهند زیست. عیسی مسیح برترین است.

همه‌چیز برای عیسی - حتی شرارت

قصدم از این موعظه‌ها این است که نشان دهم خدای بی‌نهایت قدوس و حکیم مطلق هستی هر چیز حتی شرارت را نیز مقرر نموده است تا جلال مسیح را درخشان‌تر بتاباند. کتاب امثال سلیمان ۴:۱۶ می‌فرماید: «خداوند هر چیز را برای غایت آن ساخته است و شیرین را نیز برای روز بلا». خدا در طریق اسرارآمیز خود این مهم را به گونه‌ای انجام می‌دهد که شیرین جوابگوی شرارتشان خواهند بود و خدشه‌ای به قدوسیت و پاکی خدا وارد نمی‌گردد. بنا بر کلام خدا، می‌دانیم همه‌چیز به واسطه مسیح و برای مسیح آفریده شد (کولسیان ۱:۱۶). پولس می‌گوید همه‌چیز شامل «تختها و سلطنتها و ریاسات و قوات» نیز می‌باشند که به واسطه مسیح بر صلیب مغلوب گشتند. آنها «برای روز بلا» به وجود آمدند. در آن روز، قدرت و عدالت و غضب و محبت مسیح عیان می‌گردد. هر طغیان و سرکشی بر ضد او، دیر یا زود، فرو می‌پاشد و از بین خواهد رفت.

خدایی که همیشه وجود داشته است

یکی دیگر از اهداف این سری موعظه‌ها آن است که این اعتقاد را استحکام بخشد که مسیحیت صرفاً یک سری تفکرات یا سنتها یا احساسات نیست که چه از جانب خدا چه از جانب انسان برای خیر و سعادت روان ما طراحی شده باشد. مسیحیت این نیست.

مسیحیت با این اعتقاد راسخ آغاز می‌گردد که خدا واقعیتی عینی در خارج از ما است. ما با طرز فکر خاصی که درباره خدا داریم او را خدا نمی‌کنیم. به قول فرانسویس شیفِر، او خدایی است که همیشه وجود داشته است. ما او را به وجود نمی‌آوریم، او ما را به وجود می‌آورد. ما تصمیم نمی‌گیریم او چگونه باشد، او تصمیم می‌گیرد ما چگونه باشیم. او عالم هستی را آفرید و به آن معنا داد، نه اینکه ما به آن معنا دهیم. این از حماقت ما است که به عالم هستی مفهومی بدهیم که با مفهوم خدا متفاوت باشد. همین تفاوت است که زندگی ما را در انتها به فاجعه تبدیل می‌کند. مسیحیت یک بازی نیست، وسیله درمان نیست. همه آموزه‌های مسیحیت ناشی از این است که خدا کیست و در تاریخ چه کرده است. این آموزه‌ها به واقعیت‌های دشوار زندگی بی‌ربط نیستند. مسیحیت این نیست که فقط در یک سری از واقعیت‌ها خلاصه باشد. مسیحیت ایمان و امید و محبت است و اینها در هوا معلق نیستند. آنها مانند درختان سرو تنومند بر صخره حقیقت خدا می‌رویند.

و دلیلی که این حقیقت را یکی از اهدافمان در این مجموعه قرار دادیم این است که کتاب مقدس مرا عمیقاً متقاعد نموده است که شادی و قوت و قدوسیت ابدی شما به استحکام این جهان‌بینی بستگی دارد و این جهان‌بینی مستحکم، برای ایمان شما، ستونی استوار بنیان خواهد نهاد. جهان‌بینی ضعیف مسیحیانی ضعیف و بزدل به بار می‌آورد و مسیحیان ضعیف، در روزهایی که در پیش است، دوام نمی‌آورند. احساسات‌گرایی بی‌ریشه‌ای که مسیحیت را چون ابزاری درمانگر می‌نگرد، در روزهای آخر، از بین می‌رود و ردپایی از خود بر جای نخواهد گذاشت. آنانی که می‌ایستند و باقی می‌مانند کسانی هستند که خانه‌شان را بر صخره حقیقت عظیم و عینی که عیسی مسیح را منشأ و مرکز و هدف همه چیز می‌داند بنا کرده‌اند.

در گناه آدم، جلال عیسی تدبیر شده بود

اکنون، تمرکزمان بر گناه چشمگیر نخستین انسان، آدم، می‌باشد و اینکه آن گناه چگونه عرصه را به شکل چشمگیری برای عیسی مسیح می‌گستراند. دوباره به رومیان ۵: ۱۳-۲۱ بازگردیم.

می‌خواهم بر جلال مسیح، یعنی همان هدف اصلی خدا، متمرکز شویم. وقتی خدا به آدم اجازه داد گناه ورزد و همه انسانها نیز با او در گناه سقوط کردند، آن هدف اصلی را در ذهن داشت و آن را تدبیر نمود. یادتان باشد که خدا برای هرچه اجازه می‌دهد وقوع دهد دلیلی دارد و دلایل همواره بی‌نهایت حکیمانه و هدفمند می‌باشند. او مجبور نبود اجازه دهد سقوط انسان اتفاق افتد. او می‌توانست مانع سقوط انسان شود، همان‌گونه که می‌توانست از سقوط شیطان جلوگیری نماید. این واقعیت که خدا سقوط انسان را مانع نشد بدین مفهوم است که برای آن سقوط دلیل و هدفی داشت. خدا در لحظه تصمیم نمی‌گیرد. خدا آنچه انجامش را حکیمانه می‌داند همواره حکیمانه می‌دانسته است. بنابراین، گناه آدم و به همراهش سقوط نژاد بشر در گناه و سیه‌روزی خدا را غافلگیر نکرد، بلکه جزیی از آن تدبیر فراگیر خدا بود تا پُری جلال عیسی مسیح را به نمایش بگذارد.

یکی از بدیهی‌ترین روشهایی که این حقیقت را از کتاب مقدس نشان می‌دهد و البته ما در اینجا وارد جزئیاتش نمی‌شویم این است که به آن آیاتی رجوع کنیم که نشان می‌دهند قربانی مسیح به منظور مغلوب ساختن گناه، حتی پیش از بنای عالم، در فکر خدا تدبیر شده بود. برای نمونه، یوحنا در کتاب مکاشفه ۸: ۱۳ می‌نویسد: «جز آنانی که نامهای ایشان در دفتر حیات برّه‌ای که از بنای عالم ذبح شده بود مکتوب است.» پس، پیش از بنای عالم، دفتری وجود داشت که «دفتر حیات برّه‌ای که ذبح شده بود» نامیده می‌شود. خدا پیش از آنکه جهان را خلق کند تدبیر نموده بود که پسرش مانند یک برّه ذبح گردد تا آنانی را که نامشان در آن دفتر ثبت شده است نجات بخشد. می‌توانیم به آیات فراوانی از این دست مراجعه کنیم (افسیان ۴: ۱-۵؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۹؛ تیطس ۱: ۱-۲؛ اول پطرس ۱: ۲۰) تا از دیدگاه کتاب مقدس متوجه شویم که رنج و عذاب و مرگ مسیح برای گناه چیزی نبود که پس از گناه آدم برنامه‌ریزی گشت، بلکه پیش از آن تدبیر شده بود. از این‌رو، وقتی آدم گناه کرد، خدا غافلگیر نشد، بلکه آن گناه نیز جزیی از طرح خدا بود، یعنی طرحی که به واسطه آن صبر و فیض و عدالت و

غضب حیرت‌انگیز خویش را در تاریخ نجات بشر نمایان سازد و نقطهٔ اوج آن طرح نیز مکشوف نمودن عظمت پسرش باشد که در مقام آدم دوم، از هر نظر، بر آدم اول برتری دارد.

پس، وقتی رومیان ۱۲:۵-۲۱ را بررسی می‌کنیم، به یاد داشته باشیم که گناه چشمگیر آدم اهداف خدا را که همانا برافراشتن مسیح بود با شکست مواجه نکرد، برعکس، در خدمت آن اهداف قرار گرفت. ما این آیات را بدین شکل بررسی می‌نماییم. در این آیات، در پنج مورد، صریح و روشن به مسیح اشاره شده است. یکی از آن موارد به این اختصاص دارد که پولس دربارهٔ مسیح و آدم چگونه می‌اندیشد و بقیهٔ موارد نیز نشان می‌دهند که مسیح به چه صورت عظیم‌تر از آدم است. دو مورد از آنها مشابه هستند، در نتیجه، آن دو را با هم یکی می‌نماییم و با این حساب سه جنبه از برتری مسیح را بررسی خواهیم کرد.

عیسی «آن که می‌آید»

پس ابتدا به این بپردازیم که در آیهٔ ۱۴ به چه شکلی به مسیح اشاره شده است. به این منظور، از آیات ۱۲-۱۳ شروع می‌کنیم: «لهذا همچنان که به وساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت و به این‌گونه موت بر همهٔ مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند. زیرا قبل از شریعت گناه در جهان می‌بود، لکن گناه محسوب نمی‌شود در جایی که شریعت نیست، بلکه از آدم تا موسی موت تسلط می‌داشت بر آنانی نیز که بر مثال تجاوز آدم، که نمونهٔ آن آینده است، گناه نکرده بودند.» «آن آینده» به مسیح اشاره دارد.

در آیهٔ ۱۴، پولس حقیقتی را بیان می‌کند و در آیات بعدی نیز در راستای همان طرز فکر پیش می‌رود. آدم «نمونهٔ» آن آینده نامیده می‌شود، یعنی نمونهٔ مسیح. همین ابتدا، به واضح‌ترین نکته توجه کنید: مسیح «آن آینده است.» از ابتدا، مسیح «آن آینده» بود. پولس نشان می‌دهد که مسیح چیزی نبود که بعد به ذهن بیاید. پولس نمی‌گوید مسیح رونوشتی از آدم بود که بعدها به ذهن خطور کرد. او می‌گوید آدم نمونهٔ مسیح بود. خدا با آدم به گونه‌ای برخورد نمود که او را نمونه‌ای از روشی ساخت که در نظر داشت پسرش را از آن طریق جلال دهد. این نمونه سایه‌ای از چیزی بود که در آینده می‌آمد و آن آینده مانند همان نمونه بود اما عظیم‌تر از آن. پس خدا با آدم به گونه‌ای برخورد کرد که او را نمونهٔ مسیح بسازد.

حال، به قسمتی توجه کنید که پولس گفتهٔ خود را کمی دقیق‌تر گسترش می‌دهد و می‌خواهد بگوید آدم نمونهٔ مسیح است. آیهٔ ۱۴: «بلکه از آدم تا موسی موت تسلط می‌داشت بر آنانی نیز که بر مثال تجاوز آدم، که نمونهٔ آن آینده است، گناه نکرده بودند.» دقیقاً، پس از اینکه پولس عنوان می‌کند انسانهایی هم که به طریق آدم گناه نکردند باز هم مجازاتی را متحمل خواهند شد که آدم بر دوش کشید، می‌خواهد به ما بگوید که آدم نمونهٔ مسیح است. چرا پولس دقیقاً در این مقطع عنوان می‌کند که آدم نمونهٔ مسیح بود؟

عیسی نمایندهٔ ارشد ما

با توجه به گفته‌های پیشین خود، حال پولس به اصل این موضوع می‌رسد که چگونه می‌شود مسیح و آدم شبیه به هم اما متفاوت باشند. شباهت اینجا است: گناه و خطایی که انسانها مرتکب می‌شوند دقیقاً همان گناه و خطایی نیست که آدم مرتکب شد، اما باز هم انسانها مانند آدم مرگ را تجربه می‌کنند. چرا؟ چون انسانها به آدم وصلند. آدم نمایندهٔ ارشد انسانها است و به خاطر پیوندشان با آدم گناه او به حساب ایشان گذاشته می‌شود. این دلیل اصلی است که چرا آدم نمونهٔ مسیح نامیده می‌شود، زیرا ما مانند مسیح مطیع نیستیم، ولی باز هم با مسیح از حیات جاودان برخورداریم. چرا؟ زیرا، به واسطهٔ ایمان، به مسیح وصلیم. او نمایندهٔ ارشد انسانیت تازهٔ ما است و به خاطر پیوندمان با او عدالت مسیح به حساب ما گذاشته می‌شود (به رومیان ۵:۶ مراجعه نمایید).

به سبب این شباهت است که می‌توان آدم را نمونهٔ مسیح نامید:

آدم ← گناه آدم ← نژاد بشر در او محکوم شد ← مرگ ابدی

مسیح ← عدالت مسیح ← انسانیت تازه که در او عادل شمرده شده است ← حیات ابدی

ادامه آیات نیز به توضیح و بررسی این نکته می‌پردازد که مسیح و کار نجات‌بخش او تا چه اندازه عظیم‌تر از آدم و کار ویرانگر او است. گفته‌ها مرا در ابتدای این پیغام به یاد داشته باشید. آنچه در این آیات می‌بینیم مکاشفه خدا از واقعیت‌هایی است که جهانی را تعریف و معنا می‌کند که همه انسانهای کره زمین در آن زیست می‌نمایند. این آیه شامل حال همه انسانهای کره زمین است، زیرا آدم پدر همه بود. بنابراین، هر کسی را که در کشور آمریکا یا هر کشور دیگر یا از هر قوم و ملیتی دیگر ملاقات کنید محتوای این آیه شامل حالش می‌باشد: مرگ در آدم یا حیات در مسیح. این آیه‌ای جهانی است. از آن غافل مشوید. این برای هر کسی که با او ملاقات می‌کنید یک حقیقت تعریف‌شده است. جهان‌بینی ضعیف مسیحیان ضعیف بار می‌آورد. ولی جهان‌بینی این آیه ضعیف نیست. این چیزی است که همه تاریخ و همه کره زمین را در بر گرفته است و از اساس و ریشه همه انسانهای جهان و هر سرتیتر در اینترنت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

بزرگداشت برتری عیسی

حال، به بررسی سه روشی بپردازیم که پولس از طریق آنها برتری مسیح و کارش را بر آدم و عملش گرامی می‌دارد. می‌توان این سه روش را در سه عبارت خلاصه نمود: (۱) وفور فیض؛ (۲) کاملیت اطاعت؛ (۳) سلطنت حیات.

(۱) وفور فیض

ابتدا، آیه ۱۵ و وفور فیض را بررسی می‌نماییم: «و نه چنان که خطا بود، همچنان نعمت [یعنی، هدیه رایگان عدالت، آیه ۱۷] نیز باشد، زیرا اگر به خطای یک شخص بسیاری مردند، چقدر زیاده، فیض خدا و آن بخششی که به فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح، است برای بسیاری افزون گردید.» نکته اینجا است که فیض خدا قدرتمندتر از گناه آدم است. مفهوم واژگان «چقدر زیاده» همین است: «چقدر زیاده فیض خدا . . . برای بسیاری افزون گردید.» اگر گناه انسان مرگ به بار آورد، چقدر زیاده، فیض خدا حیات به ارمغان می‌آورد.

اما پولس اختصاصی‌تر به موضوع می‌پردازد. فیض خدا به طور خاص «فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح، است.» «چقدر زیاده، فیض خدا و آن بخششی که به فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح، است برای بسیاری افزون گردید.» اینها دو فیض متفاوت نیستند. «فیض یک انسان یعنی عیسی مسیح» تجسم فیض خدا است. برای نمونه، پولس در رساله به تیطس ۱۱:۲ نیز درباره همین حقیقت می‌نویسد: «فیض خدا که . . . نجات‌بخش است ظاهر شده [در عیسی]» و در رساله دوم تیموتائوس ۱:۹: «فیض [خود]، . . . که در مسیح عیسی به ما عطا شد.» پس فیضی که در عیسی است فیض خدا است.

این فیض فیضی حاکمانه است و بر هر چیزی که در مسیرش قرار دارد غالب می‌آید. این فیض قدرت پادشاه عالم هستی را دارا است. این فیضی است که سلطنت می‌کند و این نخستین بزرگداشت برتری مسیح بر آدم است. وقتی گناه یک انسان، یعنی آدم، و فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح، با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند، آدم و گناهِش بازنده می‌شوند و مسیح و فیضش برنده می‌گردند. برای آنانی که به مسیح تعلق دارند این خبری بسیار خوش است.

(۲) کاملیت اطاعت

دومین موردی که پولس گرامی می‌دارد طریقی است که فیض مسیح بر خطای آدم و بر مرگ غلبه می‌یابد و این طریق کاملیت اطاعت مسیح است. آیه ۱۹: «زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص [نافرمانی آدم] بسیاری گناهکار شدند، همچنین نیز به اطاعت یک شخص [اطاعت مسیح] بسیاری عادل خواهند گردید.» پس فیض یک انسان، عیسی مسیح، او را از گناه نگاه می‌دارد و او را تا به مرگ، حتی مرگ بر روی صلیب، مطیع نگاه می‌دارد (فیلیپیان ۸:۲) تا او به نیابت از کسانی که به واسطه ایمان به وی می‌پیوندند اطاعتی کامل و

بی‌نقص را به پدر تقدیم کند. آدم در اطاعت نمودن قصور کرد، مسیح، به کمال، از عهده آن برآمد. آدم منشأ گناه و مرگ بود، مسیح منشأ اطاعت و حیات.

مسیح شبیه آدم است و آدم خود نمونه مسیح بود. یکی نماینده ارشد نوع بشر قدیم و دیگری نماینده ارشد نوع بشر جدید. خدا قصور آدم را به حساب نوع بشری گذاشت که از آدم آمد و کامیابی مسیح را به حساب نوع بشری که از آن مسیح شدند، چرا که هر دو نوع بشر با ارشد خود یکی هستند. برتری عظیم مسیح این است که او نه فقط در اطاعتی کامل و بی‌نقص کامیاب گردید، بلکه به خاطر اطاعتش میلیونها انسان نیز عادل شمرده می‌شوند. آیا شما فقط به آدم وصلید؟ آیا همچنان جزیی از آن نوع اول بشر هستید که روانه مرگند؟ یا به مسیح وصلید و جزیی از آن نوع بشر تازه‌ای هستید که روانه حیات ابدی‌اند؟

۳) سلطنت حیات

پولس نه فقط فرونی فیض مسیح و اطاعت کامل او را گرامی می‌دارد، بلکه سومین مورد را نیز بزرگ می‌دارد، یعنی سلطنت حیات را. به واسطه اطاعت مسیح، فیض به پیروزی حیات ابدی ختم می‌گردد. آیه ۲۱: «تا آنکه چنان که گناه در موت سلطنت کرد، همچنین فیض نیز سلطنت نماید، به عدالت برای حیات جاودانی، به وساطت خداوند ما عیسی مسیح». فیض به واسطه عدالت سلطنت می‌کند (به واسطه عدالت کامل مسیح) تا به آن نقطه اوج عظیم، یعنی حیات جاودانی، برسد. همه اینها «به وساطت خداوند ما عیسی مسیح» میسر است. و یکبار دیگر آیه ۱۷ نیز حاوی همین پیغام است: «زیرا اگر به سبب خطای یک نفر و به واسطه آن یک موت سلطنت کرد، چقدر بیشتر، آنانی که افزونی فیض و بخشش عدالت را می‌پذیرند در حیات سلطنت خواهند کرد به وسیله یک، یعنی عیسی مسیح». الگو همان است: به واسطه هدیه رایگان عدالت، فیض به پیروزی حیات می‌انجامد و همه اینها به واسطه عیسی مسیح عملی می‌گردد.

پیش از این اشاره کردم که آن فیض خدا در مسیح که پولس در این آیات از آن یاد می‌کند فیض حاکمانه است. حال، این حاکمیت را در واژه «سلطنت» مشاهده می‌کنید. مرگ بر انسان اقتدار دارد و بر همگان سلطنت می‌کند. همه می‌میرند. اما فیض بر گناه و مرگ غلبه می‌یابد. این فیض حتی بر آنانی که دیگر زنده نیستند نیز در حیات سلطنت می‌کند. این است فیض حاکمانه.

اطاعت چشمگیر عیسی

این جلال عظیم مسیح است. او به شکلی گسترده بر انسان اول، یعنی آدم، سایه می‌افکند. عظیم بودن گناه چشمگیر آدم به عظمت فیض چشمگیر و اطاعت مسیح و عطای حیات جاویدان نمی‌رسد. در واقع، خدا از ابتدا در عدالت کاملش چنین تدبیر نموده بود که آدم در مقام نماینده ارشد نوع بشر نمونه مسیح باشد که نماینده ارشد نوع بشر تازه بود. طرح خدا این بود که جلال مسیح در این تشابه و تضاد تابناک‌تر بدرخشد.

آیه ۱۷ موضوع را برای شما بسیار شخصی و اضطراری می‌سازد. شما کجا می‌ایستید؟ «زیرا اگر به سبب خطای یک نفر و به واسطه آن یک موت سلطنت کرد، چقدر بیشتر، آنانی که افزونی فیض و بخشش عدالت را می‌پذیرند در حیات سلطنت خواهند کرد به وسیله یک، یعنی عیسی مسیح». با دقت بسیار، به کلمات توجه کنید و آن را شخصاً به خود ربط دهید: «آنانی که افزونی فیض و بخشش عدالت را می‌پذیرند».

کلامی ارزشمند خطاب به گناهکاران

این کلامی ارزشمند خطاب به گناهکاران است: فیض رایگان است، هدیه رایگان است، عدالتِ مسیح رایگان است. آیا این فیض را می‌پذیرید و آن را امید و گنجینهٔ زندگی‌تان قرار می‌دهید؟ اگر بپذیرید، «در حیات سلطنت خواهید کرد به وسیلهٔ یک، یعنی عیسی مسیح». اکنون، آن فیض را بپذیرید. با تعمید در آب، به آن فیض شهادت دهید و یکی از اعضای زندهٔ قوم مسیح گردید.

جان پای‌پر

www.MahfeleEnjil.com